

نویسنده بزرگ ایران، ناصر پورپیرار

<http://www.narina.ir/view/5.aspx?id=360>

## مقدمه اي بر دوازده قرن سکوت

براي پي بردن به معنا و محتوای نام گذاري دوازده قرن سکوت بر دوران میان ظهور هخامنشیان تا ظهور اسلام دو راه بسیار ساده ، موثر و آسان وجود دارد؛ راه نخست رجوع به موزه هاست. همه مي توانند از این پس ، هنگام دیدار از موزه هايي که آثار ايراني را نگه مي دارند ، در سرتاسر ايران و جهان ، مقایسه اي صورت دهند میان کمیت و کیفیت آثار مربوط به دوران پیش از هخامنشیان و آثار مربوط به دوران پس از ظهور هخامنشیان تا پایان ساسانیان ، و سپس آثار مربوط به دوران اسلامي ، تا ببینند تمام موزه هاي ايران و جهان از اشیاء و آثار تمدن هاي ايران پیش از هخامنشیان و ايران پس از اسلام مملو هستند و از اشیاء و آثار مربوط به دوران بعد از هخامنشیان تا پایان ساسانیان تهی!!! و تعداد و کیفیت آثار تمام نشدني ايران پیش از هخامنشي اقیانوسي است که آثار پس از آن تا پیش از اسلام ، در برابر آن به کاسه اي از آب مي مانند! ایرانیان و مردم شرق میانه در دوران پیش از ظهور هخامنشیان صاحب اقیانوس هايي از تمدن هستند که يك نمونه تازه و به تصادف کشف شده آن را در منطقه جیرفت همه شاهد بودیم. (رش به نخستین یادداشت این وبلاگ) و دیدیم که يك شي از این مجموعه غارت شده ، طبق قول دکتر مجید زاده (در سایت [chn.ir](http://chn.ir)) با قیمتی در حدود 150 میلیون تومان ، و برای جلوگیری از باز پس گیری حقيقي با نام اشیاء آسیایی به فروش رفت!

يك نگاه سطحی به گزارش هاي باستان شناسي و کتاب هاي مربوط به باستان شناسي ايران و اخبار کشفیات رسمي و غیر رسمي آثار باستانی در روزنامه ها به وضوح نشان مي دهد که در هر نقطه ايران که کلنگي به زمین بخورد يك تمدن ناشناخته و شکوفای پیش از هخامنشي آشکار مي شود. از آن ادوار تمدن هاي درخشان و بسیار پیشرفته اي کشف شده اند که في المثل نشان مي دهند ایرانیان در 5 الي 6 هزار سال پیش (!!!) کوره ذوب فلز و شیشه به مفهوم امروزی ، در مناطق سیلک کاشان و اریسمان اصفهان داشته اند. تنها تصور کنید که انسان هاي 5 یا 6 هزار سال پیش مي باید به چه میزان از رشد فني ، در اثر زندگی هزاران ساله در جغرافیای ايران رسیده باشند که بتوانند بدون در اختیار داشتن علم و تکنولوژی کنونی ، جنس سنگ و خاک و فلز را بشناسند و فن ذوب فلزات را ابداع کرده باشند ، تا بتوانند به ریخته گری دست یابند!

همچنان که لویی واندنبرگ در کتاب باستان شناسي ايران باستان (ص 134) مي گوید « اگر دوران هاي مختلف تمدن ايران را از نظر بگذرانیم از اهمیت تمدن پیش از تاریخ این سرزمین در حیرت فرو مي رویم » ، در سراسر ايران از دوران پیش از هخامنشیان صدها تل باستانی وجود دارد که بسیار و بسیاری از آن ها هنوز حفاری نشده و در تیول حفاران غیر مجاز و قاچاقچیان اشیاء عتیقه قرار دارند. باستان پرستان و اساتید جاعل غریب شان براي نشان دادن تمدن درخشان !!! دوره هخامنشیان ، از فرط تهی دستی تنها به تخت جمشید رجوع مي کنند و در این باره که تخت جمشید سمبل و هنر بومیان ايران پیش از هخامنشي است ، خود را به نادانی و ناشنوایی مي زند. تمام اجزاء تخت جمشید و حتی بر اساس نظریات تمام باستان شناسان غربي و داخلی به هنر و تمدن مردم شرق میانه پیش از مهاجرت فرضي آریا ها و هجوم هخامنشیان تعلق دارد (مثل سردر ها و دروازه هاي آشوري و بابلي) و حتی يك جزء ناچیز آن هم هخامنشي نیست. ضمن آن که تخت جمشید با تمام عظمت و یادگار خود از هنر و زندگی ایرانیان کهن ، يك اثر معماری است و نه تمدن. زیرا معماری به خودي خود تمدن نیست ، بلکه جزیی از تمدن است ؛ معماری محصول « پول » و « هنر » است؛ سلطانی ذخایر فني و مادي مردم سراسر شرق میانه را در پایتخت خود جمع کرده و فرمان داده است برایش کاخ بسازند. امروز نیز اگر کسی سرمایه اي چند میلیون دلاری را به افغانستان منتقل کند مي تواند بزرگ ترین و زیبا ترین بنای معماری جهان را در افغانستان بنا کند. اما آیا با این بنا افغانستان پیشرفته و یا دارای تمدنی درخشان و نداشته مي شود؟!

تعداد صفحات: 1 از 3

افغان جرمن آنلاين شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید

[maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

اکنون سؤال تاریخی این جاست که بر سر این اقوام و مردمان پس از هجوم هخامنشیان چه آمده است که برای دوازده قرن در يك سکوت سراسری فرو رفتند و تا دوران ظهور اسلام در صحنه های تاریخی این سرزمین هیچ اثر و یادی از آن ها نیست و حداکثر حضور تاریخی آنان به يك حضور محلی محدود می شود؟ آن مردمی که روزگاری دراز و پس از گذر از اعصار غارنشینی و حجر و ... و گذراندن مراحل مختلف رشد در طول هزاره ها ، تمدن های بابل، آشور، عیلام، لرستان، مارلیک، سیلک، جیرفت، شهرسوخته و ... را خلق کردند ، بنیان تمدن بشری را پایه گذارند و ریاضیات و نجوم و پزشکی و ... را به مردم جهان عرضه کردند ، دچار چه فاجعه ای شدند که رشد آن ها در تمام ابعاد و برای 1200 سال متوقف گردید؟ و دیگر از آن حضور پیشرفته و شکوفا در دوره های هخامنشی و اشکانی و ساسانی به چشم نمی خورد و تا دوران ورود اسلام ساکت و خاموش اند؟ و آنگاه که به همزمان بودن این سکوت با ظهور هخامنشیان و ماجرای پوریم پی می بریم ، آیا جز این است که این همزمانی ، رابطه علی و معلولی را به ذهن متبادر می سازد و نشان می دهد آن هجوم و کشتار تنها علت عمده این خاموشی است ؟

به همین ترتیب وقتی در موزه ها و غیر از آن ، به میراث فرهنگی و هنری ایران در دوران بعد از اسلام نگاه می کنیم ، مجددا شاهد حضور تاریخی و فعال ایرانیان هستیم و آن مردمی که در طول 12 قرن گذشته خاموش بودند ، در این دوران از نو زندگی مدنی خود را از سر گرفته اند و سرزمین ایران دوباره صاحب مدنیت، هنر، دانش، عالم و ... است. در این مقطع نیز يك رابطه زمانی و علی و معلولی میان ظهور اسلام و پایان دوران سکوت مردم ایران و شرق میانه به چشم می خورد. برای دریافت درخشش تاریخی این مردمان تنها کافی است يك جزء کوچک از این اقیانوس هنر و تمدن ایران در دوران بعد از اسلام یعنی هنر خوش نویسی را نگاه کنیم تا نیک دریابیم که ایرانیان حتی در خارج از ایران و از جمله در هند ، بر حسب شرایط و ذوق خود چه ذخایر فرهنگی و هنری شکوه مندی خلق کردند که هنوز هم برخی از ابعاد آن در جهان بی نظیر است. حال خواننده این یادداشت خود به میزان تعصب و سفاقت دلک دربار شاه سابق یعنی حضرت استاد شجاع الدین شفا پی ببرد که حتی بی توجه به اسم خود ، دوران بعد از اسلام ایران را با يك لج بازی کودکانه ، دوران 14 قرن سکوت نامیده است !!!!

اما راه حل دوم ، یافتن پاسخ این سؤال است که چرا ایرانیان از تمام این دوران به اصطلاح شکوه و عظمت تمدن ایران باستان که فقط بخش هخامنشی آن طبق قرائت ایران شناسان غربی و سرسپردگان داخلی آنان چشم های تمام دنیا را خیره کرده است !!!! حتی يك چهره در حوزه های علمی و فرهنگی به جهان عرضه نکرده اند؟! و چرا ما از تمام این دوران مثلا يك سقراط، ارسطو، افلاطون، ابن سینا، بیرونی، فارابی و ... نداریم؟! بر این مردم در این دوازده قرن چه رفته است که نتوانسته اند بر خلاف سایر همسایگان خود و تمدن های همزمان دیگر مانند یونان و چین و هند چهره هایی در علم و حکمت و هنر به جهان عرضه کنند؟ آقای کاوه می فرمایند برای دیدن عظمت !!!! تمدن هخامنشی فقط کافی است به این دوره نگاه کنیم ، اما نمی دانیم ایشان در این نگاه غیر از يك نظام میلیتاریزمی محض چه چیزی دیده اند که آن را دوران تمدن فرض می کنند؟ و آیا جز این است که به عنوان مثال فعل « دار زدن » و « چشم درآوردن » و « گوش بریدن » از افعال پر کاربرد در کتبه بیستون داریوش کبیر !! هستند؟ البته در قصه های ساخته شعوبیه در دوران بعد از اسلام ، در کنار اسامی تخیلی بهمن کیانی و جمشید و انوشیروان عادل و ... ، چهره هایی از حکمت مانند بوذرجمهر حکیم و آن هم تنها منحصر به دوره ساسانی به چشم می خورد ، اما اگر از این قصه های کودکانه فراتر برویم و طبق آدرس آقای کاوه به عنوان نمونه در جست وجوی چهره های علمی در دوره هخامنشی برآیم ، آیا چیزی خواهیم یافت؟ البته اگر شعوبیه در آن زمان هخامنشیان تازه کشف شده را می شناختند ، حتما و بدون شک در مورد آن ها نیز داستان های خواندی فراوانی دال بر وجود کتاب و حکیم و ... در زمان آن ها تدارک می دیدند!!!! تامل بدون تعصب و سیاسی نگری در این نکات می تواند نشان دهد که در درستی و صحت ساخته های ایران شناسان و شرق شناسان تردید بسیار می توان روا داشت.

باستان پرستان و روشنفکران به اصطلاح ملی گرای ما که ذهن شان به مفاخرات پوچ ساخته ایران شناسان غربی آلوده شده است ، همه جا با افتخار نظامی گری زمان هخامنشیان را ستایش می کنند و هوار می زنند که در دوران آن ها وسعت آن مثلا امپراطوری تا به کجا ها که نمی رسیده است!!!! اینان از خود نمی پرسند فرستادن نیزه و شمشیر به سرزمین مردمان دیگر و تجاوز و آدم کشی به نام آزادی و غیره چه افتخاری دارد و چگونه می تواند تمدن ساز باشد؟ امروز نیز ایالات متحده آمریکا به نام آزادی و دمکراسی ، قرنی است که در گوشه و کنار جهان به تجاوز و تخریب و

جنایت و شکنجه و ... مشغول است. اما به راستی فرستادن این سربازان و تسلیحات همانند نیزه های هخامنشیان به سرزمین های دیگر چه تمدنی را خلق می کند و چه موجبی برای افتخاری دارد؟

مردم هند را نگاه کنیم که هزاران سال است در کمال آرامی و بدور از هر گونه هیاهو یکی از غنی ترین و درخشان ترین تمدن های جهان را بنیان گذاردند ، بارها مورد هجوم اقوام بیگانه قرار گرفتند ، هرگز هیچ نیزه ای به هیچ سرزمینی نفرستادند ، اما امروز نه از کسی و چیزی طلبکارند و نه مثل ما بر اساس آن مفاخرات قلابی مدعی اند هنر نزد هندیان است و بس !! و نه باز هم مثل ما به دنبال مسئولان وضعیت کنونی خویش در 1400 سال پیش می گردند!